

زیارت عامل بیداری و خروج از غفلت

مجتبی حیدری^۱

چکیده

در این مقاله به تأثیر زیارت مراقد مطهر معصومان علیهم‌السلام در خروج زائران از غفلت پرداخته شده است. یکی از شرایط اصلی حرکت در مسیر صراط مستقیم، حفظ بیداری و هشیاری (یقظه) است. تنها در این صورت است که انسان به سعادت ابدی و خوشبختی واقعی دست می‌یابد. توجه به دنیا و زرق و برق آن، سبب فراموشی و غفلت می‌شود و انسان را از طی مسیر سعادت ابدی باز می‌دارد. از این رو انسان‌ها باید راه‌هایی برای حفظ و تقویت بیداری خود داشته باشند تا دچار غفلت نشوند. یکی از مهم‌ترین آنها، زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام است.

زیارت می‌تواند از جهات متعدد بر خروج زائران از غفلت تأثیرگذار باشد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تأثیرگذاری زیارت در توجه به کرامت ذاتی انسان، توجه دادن به هدف از خلقت انسان، افزایش توجه به خدا و یاد او، درک کم‌ارزش بودن زندگی دنیا، بیدار شدن نسبت به عیوب و نواقص و گناهان خود، و توجه به مقام والای اهل بیت علیهم‌السلام.

کلیدواژه‌ها: بیداری (یقظه)، غفلت، زیارت و بیداری.

۱. عضو گروه اخلاق پژوهشکده حج و زیارت.

بیدار و بیدار بودن از امور مهم در سیر الهی و معنوی به شمار می‌رود که از آن به «یقظه» (بیداری) تعبیر می‌شود. «یقظه» نقطه مقابل «غفلت»، و به معنای آگاهی است. بعضی از عارفان آن را از منازل آغازین سیر و سلوک برشمرده‌اند. «یقظه» در اصطلاح عارفان اسلامی، بیداری از خواب غفلت و توجه به کردارهای گذشته برای جبران خطاها و جهتگیری‌های صحیح در آینده است. امام خمینی رحمته‌الله در کتاب جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ضمن اینکه «یقظه» را گام اول در تهذیب نفس می‌دانند، ذیل این عنوان چنین می‌ویسند:

تا کی می‌خواهید در خواب «غفلت» به سر برید و در فساد و تباهی غوطه‌ور باشید؟! از خدا بترسید و از عواقب امور پرهیزید، از خواب «غفلت» بیدار شوید. شما هنوز بیدار نشده‌اید، هنوز قدم اول را برنداشته‌اید. قدم اول در سلوک «یقظه» است؛ ولی شما در خواب به سر می‌برید. چشم‌ها باز و دل‌ها در خواب فرو رفته است. اگر دل‌ها خواب‌آلود، و قلب‌ها بر اثر گناه سیاه و زنگ‌زده نمی‌شد، این طور آسوده‌خاطر و بی‌تفاوت به اعمال و اقوال نادرست ادامه نمی‌دادید. اگر قدری در امور اخروی و عقبات هولناک آن می‌کردید، به تکالیف و ثولیت‌های ننگینی که بر دوش شماست، بیشتر اهمیت می‌دادید (امام خمینی، ۱۳۷۸ش، ص ۵۱).

آیات و روایات فراوانی به همین منظور، از منبع وحی یا سرچشمه قلب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صادر شده است. اساساً تمام آیات انذار و بشارت، برای رسیدن به همین هدف است؛ یعنی هدفش زدودن آثار «غفلت» و بیدار ساختن افراد و اقوامی است که در خواب بی‌خبری فرو رفته‌اند. هشدارهای قرآن مجید با جمله‌هایی مانند ﴿أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (آیا اندیشه نمی‌کنید و عقل خود را به کار نمی‌اندازید؟!)، ﴿أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (آیا متذکر نمی‌شوید؟!)، ﴿أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ (آیا اندیشه نمی‌کنید؟!)- که بارها و بارها در قرآن کریم تکرار شده‌اند - و مانند اینها، همه به منزله

بانگ‌هایی است که رهبر بیدار دل به پیروانی که در خواب سنگین فرو رفته‌اند، می‌زند تا بیدار شوند و آماده حرکت به سوی مقصد شوند. همچنین آتی که بر ذکر خدا تأکید دارد و اعراض از ذکر حق را منشأ تباهی انسان و «معیشت ضنک» در این جهان و نایبنا محشور شدن در آن جهان می‌شمرد (طه: ۱۲۴) و نیز آیاتی که مسلمانان را از «اسباب لهو»، یعنی امور غافل‌کننده انسان از یاد خدا بر حذر می‌دارد (مثلاً لقمان: ۶)، همه برای رسیدن به این مقصود، یعنی حالت «یقظه» و بیداری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۴۸).

آیه زیر به روشنی بر بیدار شدن و به خود آمدن دلالت می‌کند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾

(اعراف: ۲۰۱).

کسانی که تقوا دارند، چون وسوسه‌ای از [سوی] شیطان به آنان برسد، خداوند را یاد می‌کنند. آن‌گاه ناگهان بینا می‌وند.

در مقابل، غفلت می‌تواند عواقب وخیمی برای انسان به دنبال داشته باشد. خداوند درباره

غافلان می‌رماید:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ

لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ

الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹).

به یقین بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم؛ [زیرا] آنان را دل‌هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی‌یابند و چشمانی است که با آن [حقایق و نشانه‌های حق را] نمی‌بینند و گوش‌هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی‌شنوند. آنان مانند چهارپایان‌اند؛ بلکه گمراه‌ترند.

اینان همان غافلان‌اند.

از این رو همگان باید دنبال راه‌هایی برای حفظ هشیاری و بیداری خود یا بازگشت به این

و عیت باشند؛ زیرا همان‌گونه که از آیه پیش گفته استفاده می‌شود، سعادت ابدی انسان‌ها به

این امر بستگی دارد.

از سوی دیگر می‌دانیم که در دین اسلام و ادیان الهی دیگر، به زیارت اماکن مقدس و مراقد مطهر اولیای الهی بسیار توجه شده است. روایات موجود در تشویق به زیارت و بیان آثار و نتایج عظیم زیارت مراقد مطهر معصومان علیهم‌السلام به حدی زیاد است که جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. این روایات را به دسته‌های مختلف می‌توان تقسیم کرد: برخی از روایات، بر تأثیر زیارت بر پاک شدن گناهان یا بهره‌مند شدن از نعمت‌های بهشتی تأکید کرده‌اند؛ برای مثال سُدیر صیرفی می‌گوید: نزد امام باقر علیه‌السلام بودیم. در آن حال جوانی سخن از مرقد مطهر امام حسین علیه‌السلام به میان آورد. امام باقر علیه‌السلام فرمود:

مَا آتَاهُ عَبْدٌ فَحَطَّا خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ حَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةٌ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۳۴).

هیچ بنده‌ای به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام نمی‌رود و قدمی بر نمی‌دارد، مگر آنکه خداوند برای آن، حسنه‌ای برایش می‌نویسد و گناهی از او محو می‌کند.

اما دسته دیگری از آن روایات، دستاوردی بسیار فراتر از بهشت یا آمرزش گناهان را مطرح می‌کنند؛ برای مثال زید شحام از اصحاب امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: «مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ؟»؛ «کسی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را زیارت کند، چه عاید او می‌شود؟» فرمود: «كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ «همانند کسی است که خدا را بر عرشش زیارت کند». گفتیم: «فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ؟»؛ پس کسی که یکی از شما اهل بیت علیهم‌السلام را زیارت کند، چه عاید او می‌شود؟» فرمود: «كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ»؛ «مانند کسی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را زیارت کرده باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۸۵).

می‌توان گفت یکی از آثاری که این روایات، آنها را در بر می‌گیرند، بیدار شدن از خواب غفلت است. روشن است وقتی زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به زیارت خدا بر عرش او تشبیه می‌شود، یکی از نتایج زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت آن حضرت، دور شدن از غفلت خواهد بود.

نکته‌ای که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، همین است؛ یعنی در این مقاله می‌خواهیم به آن نکته پردازیم که زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام آدمی را به چه اموری رهنمون می‌شود و توجه زائر را به چه اموری جلب می‌کند که پیامد آن، بیداری و دور شدن از غفلت است.

۱. توجه به کرامت ذاتی انسان و توانایی او در تکامل

از اموری که در قرآن کریم و روایات اسلامی به آن پرداخته شده، برخوردار بودن انسان از کرامت ذاتی است که خداوند به وجود او ارزانی داشته است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسرا: ۷۰).

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] سوار کردیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار بخشیدیم.

مراد از کرامت ذاتی، آن است که به طور تکوینی، خلقت آدمی به گونه‌ای است که قابلیت‌ها و توانایی‌های خاصی به او عطا شده و به واسطه این ویژگی‌ها در جایگاهی برتر نسبت به بسیاری از مخلوقات الهی قرار گرفته است (واعظی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۵۹). همچنین آن دسته از آیاتی که انسان را غایت و هدف خلقت بسیاری از موجودات معرفی می‌کند و آنها را در خدمت انسان و مسخر او می‌داند، شاهد دیگری بر کرامت ذاتی انسان است. خداوند در آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ (لقمان: ۲۰).

آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، مسخر و رام شما کرده و نعمت‌های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته است؟!

بیر ﴿مَا فِي السَّمَاوَاتِ﴾ در این آیه، شامل فرشتگان نیز می‌شود. بنابراین فرشتگان هم در خدمت انسان قرار دارند و در جهت سامان دادن امور دنیا و آخرت او تلاش می‌کنند؛ گروهی کارگزار وحی و هدایت انسان‌اند و گروهی دیگر، اعمال او را ثبت و ضبط می‌کنند و عده‌ای دیگر، وظیفه قبض روح او را بر عهده دارند. پس در گرامیداشت و کرامت و معظیم تکوینی انسان، بن بس که همه اهل آسمان و زم به گونه‌ای در خدمت او هستند (همان، ۱۳۹۵ش، ص ۱۶۰).

توجه انسان به این جایگاه در دستگاه خلقت، نقش مهمی در مسیر حرکت انسان به سوی کمال دارد و در این راه، زیارت مراقد مطهر، نقش مهمی ایفا می‌کند.

زیارت مراقد مطهر معصومین علیهم‌السلام - که توجه به بندگان خاص خدا و مقربان درگاه الهی است - آدمی را به خود می‌آورد و مقام و منزلت او را در دستگاه آفرینش خداوند به وی گوشزد می‌کند. هنگامی که زائر به ولی خدا سلام می‌کند و با او سخن می‌گوید، به این درک می‌رسد که در نظام خلقت از چه جایگاه والایی برخوردار است که خداوند به او چنین توفیق عظیمی عطا کرده است. وی متوجه این نکته می‌شود که چه موجود باارزشی است که به شرافت گفت‌وگو و عرض ارادت به آن ولی الله مشرف شده است و این امر، به او می‌فهماند که با این جایگاه والا نزد خدا، باید عمر خود را به بطالت بگذراند و زندگی اش را تباه کند.

۲. توجه به هدف از خلقت خود

از مسائل مهم برای انسان‌ها آن است که بدانند برای چه آفریده شده‌اند. آیا خداوند از آفرینش آنان هدفی داشته است یا بیهوده و بی‌هدف به این د م گام گذاشته‌اند؟ آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام ما را به هدف آفرینش انسان رهنمون می‌شوند. قرآن کریم در برخی آیات بر هدفمند بودن آفرینش انسان تأکید می‌کند؛ از جمله:

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (قیامت: ۳۶).

آیا انسان گمان می‌کند بیهوده و مهمل [و بدون تکلیف و مسئولیت] رها می‌شود؟!

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۱۵).

پس آیا گمان کرده‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!

قرآن ریم در برخی از آیات نیز هدف از آفرینش انسان را مشخص ساخته است؛ از جمله در آیه‌ای می‌رماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶)؛ «من جنّ و انس را نیافریدم، مگر برای آنکه مرا پرستش کنند».

خلاصه آنکه خداوند انسان‌ها را بیهوده نیافریده است؛ بلکه آنان بر اساس هدف مشخص و والایی آفریده شده‌اند. هدف از آفرینش بشر، آن است که از طریق اعمال اختیاری و عبادت و بندگی خداوند به قرب الهی نائل آید و به کمال واقعی و سعادت ابدی دست یابد.

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾. (یس: ۶۰-۶۱)

ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را عبادت نکنید؛ همانا او دشمن آشکار شماست و مرا پرستید که این راه مستقیم است؟!

عهد خداوند در این باره با انسان‌ها، به عالم میثاق مربوط است که در آیه میثاق (اعراف: ۱۷۲) به آن پرداخته شده است.

مطلب مهم آن است که آدمی، هدفمندی خویش، هدف از آفرینش خود و نیز پیمانی را که با خداوند بسته، همواره در نظر داشته باشد تا در همه لحظات زندگی بر اساس آن عمل کند. با این حال گاه آدمی این مطلب را فراموش می‌کند و از یاد می‌برد که باید برای هدفی والا بکوشد. در اینجا باید اسبابی باشند تا آدمی را از آن غفلت به در آورند و هدفمندی او را به وی گوشزد کنند. یکی از این اسباب و وسایل، زیارت مراقد مطهر معصومان علیهم‌السلام است. زائرِ مراقد مطهر آل بیت علیهم‌السلام با آن عمل، خود را از مسائل مادی و دیوی جدا می‌کند و در الم معنویت و نورا به سیر می‌پردازد. در این حال او کشمکش‌ها و درگیری‌های خود با دیگران بر سر مسائل مادی را حقیر و بی‌ارزش می‌بیند، تلاش‌ها و حرص ورزیدن‌هایش برای کسب منافع مادی بیشتر را بیهوده و نامطلوب می‌انگارد؛ هدف اصلی از خلقت خود را - که بندگی در آستان

ربوبی است - به بالاترین وجه درک می‌کند، به یاد پیمان پیشین خود با خدا می‌افتد و بدین ترتیب از این غفلت هلاک‌کننده خارج می‌شود. این مطلب در برخی از زیارتنامه‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله در یکی از زیارتنامه‌های امام سین علیه السلام آمده است:

اُكْتُبُ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَ عَهْدًا اِنِّي اَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ فَاشْهَدُ لِي عِنْدَ رَبِّكَ اِنَّكَ اَنْتَ الشَّاهِدُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۲۱۱).

نزد خود برای من پیمان و عهدی بنویس. همانا من برای تجدید آن پیمان به نزد شما آمدم. پس برای من نزد پروردگارت شهادت بده؛ همانا تو شاهد هستی.

۳. افزایش توجه به خدا و یاد او

از امور بسیار مهم در دین اسلام آن است که افراد همواره به یاد خدا باشند و او را هر صبح و شام یاد کنند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌رساند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَّ اَصِيلاً﴾ (احزاب: ۴۱-۴۲)؛ «ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید».

مؤمنان و مقربان درگاه الهی همواره خدا را یاد می‌نند و به این طریق، لحظه‌لحظه عمرشان را ارزشمند می‌سازند:

﴿اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَّ الْأَرْضِ وَّ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَّ النَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَّ قُعُودًا وَّ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَّ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَّ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱).

یقیناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای خردمندان است؛ آنان که همواره خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آریده یاد می‌کنند و پیوسته در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و از عمق قلب همراه با زبان می‌گویند]: پروردگارا! این [جهان با عظمت] را بیهوده نیافریدی. تو از هر عیب و نقصی منزّه و پاکی. پس ما را از عذاب آتش نگاهدار.

غفلت از یاد خدا، عواقب وخیمی به دنبال دارد و آدمی را به شقاوت و دور شدن از خدا مبتلا می‌کند:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى، قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا، قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى﴾ (طه: ۱۲۴-۱۲۶).

و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم. می‌گوید: پروردگارا! برای چه مرا نابینا محسوس کردی؛ در حالی که [در دنیا] بینا بودم؟ [خدا] می‌گوید: همین گونه که آیات ما برای تو آمد و آنها را فراموش کردی، این چنین امروز فراموش می‌شوی.

بنابراین انسان‌ها همواره باید مراقب باشند از یاد خدا غافل نشوند. هر چند عبادت‌های روزانه به‌ویژه نماز، مانع از آن می‌شوند که افراد، خدا را به طور کامل فراموش کنند، باین حال گاه با مشغول شدن به زندگی دنیوی و فرو رفتن در مادیات و حساب و کتاب دارایی‌ها و اموال، آن‌گونه که باید و شاید به یاد خدا نیستند. از این‌رو لازم است گاهی عواملی او را به خود بیاورند و متوجه خداوند کنند. در این میان، زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام نقش مهمی ایفا می‌کند.

اولاً: زیارت آن بزرگواران، طبق دستور خدا انجام می‌شود و یک عبادت بزرگ است. از این‌رو زیارت مراقد معصومان علیهم‌السلام، یاد خدا نیز شمرده می‌شود. زائران مراقد مطهر اولیاءالله، نگاه استقلالی به آن بزرگواران ندارند؛ بلکه آنان را بندگان و مقربان درگاه خدا می‌دانند که زیارت آنان یک عبادت بزرگ شمرده می‌شود. از این‌رو مطابق برخی از دستورات عملی‌ها برای زیارت به افراد توصیه شده که از همان آغاز سفر زیارتی، خدا را یاد کنند و با تسبیح و تقدیس الهی از منزل خارج شوند و به سوی مرقد مطهر حرکت کنند؛ به‌ویژه انجام دادن غسل زیارت جهت حرکت به سوی مرقد مطهر، از مستحبات زیارت شمرده شده است (نفیذ، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۰).

در یکی از زیارتنامه‌های امام حسین علیه السلام به طور مفصل به دعاها و اذکاری پرداخته شده که مستحب است زائر از آغاز سفر برای زیارت، هنگام غسل زیارت در کربلا، هنگام حرکت به سوی مرقد مطهر و در بارگاه مقدس امام حسین علیه السلام بخواند (ر.ک: ابن ولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۲۲۲ به بعد). مطالعه این زیارتنامه، آدمی را در حال و هوای نورانی ویژه‌ای فرو می‌برد و روحیه معنوی انسان را مضاعف می‌گرداند. این زیارتنامه و امثال آن به‌خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی از زیارت، تقویت بُعد عبادی انسان و نزدیک کردن او به خداوند متعال است.

ثانیاً: زیارتنامه‌های واردشده برای زیارت اهل بیت علیهم السلام یاد خدا، راز و نیاز با او و دعا و استغفار به درگاه او آمیخته است؛ برای مثال نماز زیارت که در بسیاری از زیارتنامه‌ها سفارش شده، عبادت، ذکر و یاد خدا شمرده می‌شود (برای مثال ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۹؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۳۱۳). همچنین در زیارت جامعه کبیره، پیش از ورود به متن زیارتنامه، صد مرتبه ذکر «الله اکبر» سفارش شده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۹). در برخی روایات نیز به خواندن نماز مستحبی در کنار مرقد مطهر امام حسین علیه السلام سفارش شده است؛ از جمله:

صَلِّ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَا شِئْتَ تَطَوُّعاً وَ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ مَا شِئْتَ تَطَوُّعاً وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنِّي أُحِبُّ ذَلِكَ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۲۴۶).

در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله هر قدر می‌خواهی نماز مستحبی بخوان و نزد مرقد مطهر امام حسین علیه السلام نیز همین کار را انجام بده؛ همانا من این را دوست دارم.

همچنین در متن برخی زیارتنامه‌ها، عباراتی وجود دارد که در آنها زائر با خدا به گفت‌وگو می‌پردازد؛ برای مثال در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ علیه السلام فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۷۴-۷۷۵).

خدایا! مرا نزد خود به وسیله حسین علیه السلام در دو عالم وجیه و آبرومند فرما... خدایا!
مرا در این جایگاه که هستم، از آنان قرار ده که درود و رحمت و مغفرت شامل
حال آنهاست؛ پروردگارا! زندگی مرا مانند زندگی محمد و آل محمد علیهم السلام قرار
ده و مرگ مرا مانند مرگ محمد و آل محمد علیهم السلام قرار ده.

سرانجام اینکه در انتهای برخی زیارتنامه‌ها، دعای خاصی سفارش شده است که افراد با
خواندن آن به ذکر خدا و راز و نیاز با او مشغول می‌شوند؛ برای مثال پس از زیارت عاشورا،
دعای خاصی سفارش شده که به دعای علقمه معروف است و این‌گونه آغاز می‌شود:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ يَا غِيَاثَ
الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ يَحُولُ
بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (طوسی، ۱۴۱۱ق،
ج ۲، ص ۷۷۷).

ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا! ای پاسخ‌دهنده خواسته بیچارگان، ای برطرف‌کننده
اندوه اندوهگینان، ای فریادرس دادخواهان، ای دادرس دادجویان، ای آنکه به
من از رگ گردن نزدیک‌تر است، ای آنکه میان شخص و دلش پرده می‌شود،
ای آنکه بر دیدگاه برتر و افق و نواحی روشن قرار داری، ای آنکه بخشنده و
مهربان است و بر حکومت کشور هستی استیلا دارد، ای آنکه خیانت چشم‌ها و
آنچه را سینه‌ها پنهان می‌داند.

با توجه به همین مطلب است که می‌بینیم زائران در کنار مراقد مطهر به نماز و دعا و راز
و نیاز با خدا مشغول می‌شوند و به این صورت، خدا را یاد می‌کنند.

۴. درک ناچیز بودن زندگی دنیا و لزوم توجه به مسائل مهم‌تر

به طور کلی خداوند بهره‌گیری از نعمت‌های دنیوی را مباح شمرده و به همه اجازه داده است
در چارچوب معینی از لذت‌ها و نعمت‌های آن استفاده کنند؛ برای مثال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ، قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾
(اعراف: ۳۱-۳۲).

ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید! و [از نعمت‌های الهی] بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد! بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [اگرچه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی] در قیامت، خالص [برای مؤمنان] خواهد بود. این گونه آیات [خود] را برای آگاهان شرح می‌دهیم!

با این حال اهی به فرمایش‌های خداوند، آدمی را به این نکته رهنمون می‌شود که زندگی دنیا با همه زرق و برق و زیبایی‌ها و نعمت‌هایش در مقایسه با نعمت‌های اخروی چیزی به حساب نمی‌آید و با آن مل مقایسه نیست. از این رو وقتی آدمی بین دنیا و آخرت قرار بگیرد، به گونه‌ای که ناچار باشد از میان آن دو یکی را انتخاب کند، باید آخرت را بر دنیا مقدم بدارد و زندگی دنیوی را با همه لذت‌هایش فدای آخرت کند؛ در غیر این صورت باب سعادت را به روی خود بسته و خود را به شقاوت ابدی دچار کرده است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌رماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (نساء: ۷۷).

آیا ندیدی کسانی را که [پیش از اعلام حکم جهاد] به آنان گفته شد: [چون زمینه جنگ فرا نیست] دست از جنگ بازدارید و [در این شرایط] نماز را برپا دارید و زکات پردازید؛ ولی وقتی جنگ بر آنان لازم و مقرر شد، ناگاه گروهی از آنان مانند ترس از [عقوبت] خدا یا ترس سخت تر از آن، از مردم [مُشْرک] ترسیدند و گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما لازم و مقرر کردی و چرا ما را تا زمانی نزدیک [که زمان مرگ بیعی است] مهلت ندادی؟ بگو: متاع دنیا اندک، و آخرت برای باتقویان بهتر است و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند.

قرآن کریم در موارد متعددی به مسلمانان توصیه می کند به دنیا و نعمت های دنیوی دل نبندند و به جای آن، در راه رسیدن به پاداش اخروی و نعمت های عظیم خداوند در قیامت بکوشند؛ برای مثال در سوره طه می رماید:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْثَنَّهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (طه: ۱۳۱).

دیدگان خویش را به آن چیزهایی که رونق زندگی دنیاست و بعضی از دسته های آدمیان را از آن بهره داده ایم تا درباره آن عذابشان کنیم، نگران و خیره مساز که روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

چنین در سوره شوری می رماید:

﴿فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (شوری: ۳۶).

پس آنچه [از کالا، وسایل و ابزار مادی] به شما داده اند، متاع [اندک و زودگذر] زندگی دنیاست و آنچه [از بهره و پاداش] نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و پایدارتر است.

بنابراین لازم است همواره به آن نکته توجه داشته باشیم که هدف اصلی از زندگی ما آخرت است؛ نه این دنیا و لذت‌های زودگذر و ناپایدار آن. از این رو همواره به عواملی نیاز داریم که این مطلب را به ما گوشزد کنند. از جمله این عوامل، زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام است.

زیارت بارگاه مقدس بزرگان دین و ارتباط با آن ذوات مقدس و گفت‌وگو با ایشان، زائران را در فضایی نورانی و معنوی قرار می‌دهد که در آن، جایی برای مادیات و مسائل مربوط به دنیا وجود ندارد. در چنان فضای معنوی که فرد خود را در آن احساس می‌کند، دنیا و امور دنیوی بسیار کم‌ارزش و ناچیز جلوه می‌کنند و فرد خود را در دریای لطف و محبت خدا و ولیّ او احساس می‌کند؛ به گونه‌ای که حاضر نیست آن را با هیچ چیز دیگری عوض کند. از سوی دیگر، زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام، آدمی را به یاد زندگی پر از تلاش و مجاهدت آنان در راه خدا و گذشتن از دنیا به خاطر خدا می‌اندازد. آن بزرگواران همه عمر خود را در راه انجام و ایفای دینی و الهی صرف کردند، لحظه‌ای از یاد خدا غافل نشدند، هرگز امور دنیوی را بر امور اخروی مقدم نداشتند و در این راه، شهادت در راه خدا را با آغوش باز پذیرفتند. آنان بدین طریق سروری دو عالم را از آن خود کردند؛ به گونه‌ای که ما یکی از افتخارات و نعمت‌های الهی برای خود را آن می‌دانیم که خداوند توفیق زیارت ایشان را نصیب ما کرده است.

در زیارتنامه‌های آن بزرگواران، معیبهایی می‌بینیم که برای زائر هشیار، درس بی‌اعتنایی به دنیا و لزوم مقدم داشتن آخرت بر نعمت‌های دنیوی می‌دهد؛ از جمله در زیارت اربعین چنین آمده است:

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَذْنَى وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ
وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْحَطَ نَبِيَّكَ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۳).

کسانی بر ضد او به کمک هم برخاستند که دنیا فریشان داد و بهره واقعی خود را به چیز پست و بی‌ارزش فروختند و آخرتشان را به کمترین بها به فروش

گذاشتند و تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند و پیامبرت را به خشم آوردند.

۵. توجه به کاستی‌ها و نواقص خود و عزم جدی بر رفع آنها

از وظایف مهم دینی و ایمانی انسان‌ها در این دنیا، خودسازی و تزکیه نفس است؛ یعنی پاک کردن آلودگی‌ها و ناخالصی‌ها از نفس و آراسته کردن آن به فضایل و صفات پسندیده دینی و اخلاقی. قرآن کریم در موارد متعددی به این مسئله پرداخته است؛ برای مثال در آیاتی می‌رماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (شمس: ۹-۱۰).

رکس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده است و آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ

يَعْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۳۵).

[پرهیزگاران] کسانی هستند که چون کار زشی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده‌اند، پافشاری نمی‌کنند.

نتیجه خداترسی و کیه نفس به خود انسان برمی‌گردد و خودش از آن بهره‌مند می‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ﴾ (فاطر: ۱۸)؛ «و هر کس پاکی [و تقوا] پیشه کند، نتیجه آن به خودش بازمی‌گردد».

بر این اساس، انسان با همواره به بیدارکننده‌ای نیاز دارند که آنان را به یاد عیوب و نواقصشان بیندازد، گناهانشان را به آنان یادآوری، و ضرورت زدودن ناخالصی‌ها و ناپاکی‌های وجودشان را به ایشان گوشزد کند. در این راه، زیارت مراقد مطهر معصومان علیهم‌السلام می‌تواند نقش مؤثری را کند.

زیارت این اماکن مقدس و ارتباط با ا بیت علیهم السلام همچون زنگ بیدارباشی است که افراد را از خواب غفلت بیدار می‌کند. افراد به هنگام زیارت مراقد آن بزرگواران، متذکر این نکته می‌ند که چه عیوب و نواقصی دارند، چه کوتاهی‌هایی در انجام وظایف دینی، اخلاقی یا اجتماعی از آنان سر زده و چه گناهایی را مرتکب شده‌اند. با این توجه و تذکر، آنان دنبال اصلاح نفس و پاک کردن ناخالصی‌های وجودشان برمی‌آیند و بدین ترتیب زینه اصلاح و تزکیه نفس برای زائران فراهم می‌شود. ه متوجه عیوب و نواقص و گناهانش شده، می‌کوشد خود را از آنها خلاص گرداند و وجودش را از آنها پاک کند.

یکی از راه‌های پاک کردن گناهان و رفع نواقص، دعاست. از این رو مشاهده می‌شود در برخی زیارتنامه‌ها به این مطلب توجه شده است و افراد هنگام زیارت، از آن بزرگواران می‌خواهند که در درگاه الهی واسطه شوند تا خداوند گناهانشان را ببخشد؛ برای مثال در پایان زیارت جامعه کبیره چنین می‌گوییم:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَفَرْنَ طَاعَتِكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شَفَعَائِي (شيخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۶).

ای ولی خدا! همانا بین من و خدای عزوجل گناهایی قرار دارد که جز با رضایت شما آمرزیده نمی‌شوند. پس به حق کسی که شما را امین بر سر خود قرار داد و امور آفریدگانش را به شما محول کرد و اطاعت از شما را همسان با اطاعت از خود شمرد، گناهان مرا ببخشاید و شفیعان من باشید.

۶. توجه به مقام والای اهل بیت علیهم السلام

ابوخلالد کابلی می‌گوید از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خدای متعال در آیه ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ (تغابن: ۸) (پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کرده‌ایم، ایمان بیاورید) سؤال کردم. آن حضرت فرمود:

يَا أَبَا خَالِدٍ النَّوْرُ وَاللَّهُ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي

أَنْزَلَ؛ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ؛ وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَهُمْ وَاللَّهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَحُجُّبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَنُظَلِّمُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لَا يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سَلْمًا لَنَا فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ آمَنَهُ مِنْ فِزَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ (كَلِينِي، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

ای ابو خالد! به خدا قسم! مراد از نور [در این آیه]، امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت است. به خدا قسم! آنان نوری هستند که خداوند [مطابق این آیه] نازل فرمود و به خدا قسم! آنان نور خدا در آسمان‌ها و در زمین هستند. ای ابو خالد! به خدا قسم! همانا نور امام در دل‌های مؤمنان پرنورتر از خورشید درخشان در روز است و ایشان به خدا قسم! دل‌های مؤمنان را نورانی می‌کنند و خداوند نور آنان را از هر کس که بخواهد مانع می‌شود. در نتیجه دل‌های آنان تاریک و ظلمانی می‌شود. ای ابو خالد! به خدا قسم! هیچ بنده‌ای ما را دوست نمی‌دارد و ولایت ما را نمی‌پذیرد، مگر آنکه خداوند قلب او را پاکیزه می‌گرداند و خداوند قلب هیچ بنده‌ای را پاکیزه نمی‌کند، مگر آنکه در مقابل ما تسلیم، و با ما در آشتی و صلح باشد. پس هنگامی که با ما در صلح باشد، خدا هم او را از حساب سخت قیامت حفظ می‌کند و از فزع روز بزرگ قیامت ایمن می‌گرداند.

۱. ل بیت علیهم السلام، حجت‌های خدا بر روی زمین، واسطه فیض الهی، برخوردار از ولایت وینی و تشریحی، پیشوایان الهی و هدایتگران انسان‌ها به سوی خدایند. از این رو در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام بر محبت و دوستی آنان بسیار تأکید شده است؛ برای مثال در قرآن کریم چنین می‌رmaid: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳). «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)». زیارت اهل بیت علیهم السلام که همراه با سلام به آن بزرگواران است، بر محبت زائر نسبت به ایشان دلالت می‌کند. به علاوه، متن اکثر زیارتنامه‌ها آشکارا دوستی زائر به اهل بیت علیهم السلام را

نشان می دهد. در اینجا به فرازی از زیارت جامعه کبیره توجه می کنیم:

أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ... مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ... مُوَالٍ لَكُمْ وَ
لِأَوْلِيَائِكُمْ... سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ... مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرَّرٌ
بِفَضْلِكُمْ... مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَا يَذُّ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ
وَمُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدَّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي
مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمَقْوُضٌ فِي ذَلِكَ
كُلُّهُ إِلَيْكُمْ وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ سَلَمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ (شیخ
صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۴).

خدا و شما را گواه می گیرم که من به شما و به آنچه شما ایمان آوردید باور دارم،... به شأن و جایگاه شما آگاهم،... دوستدار شما و دوستان شمایم... در صلح با هر که با شما در صلح است و در جنگ با هر که با شما جنگید،... مطیع شمایم، به حق شما شناخت دارم، به فضل شما اقرار می کنم،... پناهنده به شمایم، زائر شما هستم، ملتجی و پناهنده به قبر شمایم، خواهنده شفاعت به درگاه خدای عز و جل به وسیله شمایم و به سوی او به سبب شما تقرب می جویم و مقدم کننده شما پیش روی خواسته ام و حاجاتم و ارادتم در همه احوال و امورم، به نهان و آشکارتان و حاضر و غایبتان و اول و آخرتان ایمان دارم و در همه اینها واگذارنده کار به شمایم و در اینها به همراه شما تسلیمم؛ قلبم تسلیم شماست و رأیم تابع شماست و یاری ام برای شما مهیاست.

بدین ترتیب زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم السلام، زائران را به جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام نزد خداوند و نیز در دستگاه آینهش توجه می دهد و محبت ایشان را در قلب زائران متبلور می سازد.

نتیجه گیری

آنچه در پایان این نوشتار می توان از آن نتیجه گرفت، نقش مهم زیارت در سعادت

انسان‌هاست. زیارت صرفاً یک عمل عبادی نیست که اجر و پاداش خاصی دارد و در همان حد هم به سعادت انسان کمک می‌کند؛ بلکه عبادت بزرگی است که اگر با دقت و هشیاری و با توجه به اهمیت آن در زندگی و سعادت آدمی انجام شود، نقشی بسیار فراتر از اجر و ثواب اخروی به دنبال خواهد داشت و موجبات خروج از غفلت، تصحیح رفتار و سبک زندگی انسان و در نهایت قرار گرفتن در صراط مستقیم الهی را برای زائران به ارمغان می‌آورد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق). مهج الدعوات و منهج العبادات، قم، دارالذخائر، چاپ اول.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویه، چاپ اول.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). المزار الکبیر، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول.
۵. خمینی، روح الله (۱۳۷۸ش). جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ نهم.
۶. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۸. — (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول.
۹. علی بن الحسین [امام چهارم علیه السلام] الصحیفه السجادیة (۱۳۷۶ش). قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۱۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). کتاب المزار - مناسک المزار، تصحیح محمدباقر ابطحی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ش). اخلاق در قرآن، تهیه و تنظیم جمعی از فضلا، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
۱۳. واعظی، احمد (۱۳۹۵ش). انسان از دیدگاه اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ نوزدهم.